۱۱۰۱۴۴۵

دوازدهم رمضان ۱۳۹۹

روز دوم جنگ

حضرت آیة الله طالقانی

پس از تقدیم عرض سلام و درود فراوان مطلبی را می‌خواستم به عرضتان برسانم که بنظرم خیلی عجیب آمده و آن اینست که در جلسه بحث و بررسی تمایل اسلامی که در تاریخ شب دوازدهم ماه مبارک رمضان از طرف آقای محمد باقر خالصی عنوان شد به این ترتیب که مسئله‌ای که توسط افلاطون بیان گردیده این بود که سواحد جامعه بشری را به طور کلی واگذارد: ۱- خانواده ۲- ده ۳- شهر که خانواده و ده هرکدام موقعیت های مخصوص به خود دارند و بالاخره شهر باید به عنوان یک دولت انتخاب شود و در شهر لذا هر قطعه استقلال داشته باشد (اقتصادی - اجتماعی - آموزشی - نظامی و غیره) که این بنظرم کاملاً مخالف اسلام است چون اسلام برای جامعه خود حدود و مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و آن را یک پدیده استعماری می‌داند و از آن گذشته اگر چنین مسئله‌ای بود چرا در صدر اسلام مطرح نشد و آیا با فرهنگ غنی و پربار اسلامی باز هم نیازی به چیزی از افلاطون و امثال آن هست؟

فکر کردم خدا نکرده توطئه‌ای و دستی خارجی در کار باشد (شنیده‌ام در یکی از ایران به عنوان سوژه‌های علمی مطرح شده و ولی نامبرده در سخنرانی استقلال کامل را عنوان نموده)

اول خواستم بوسیله همکارانم در شهرهای دیگر تحقیق کنم که آیا آنجاها هم این مطلب عنوان شده و آیا در همین تاریخ بوده که اینها چند روزی وقت می‌گیرد و اگر در مجالس عنوان کنم با توجه به اینکه نامبرده روحانی است و مردم هم کورکورانه اطاعت می‌کنند نه تنها حرفم بجائی نخواهد رسید بلکه ضد انقلاب هم شناخته خواهم شد بهرحال بهترین راه را این دیدم که مستقیماً با شما مسئله را در میان بگذارم و چون در مورد مسائل دیگر (که در این شب بحث شد در یکی از عنوان آنها موجود است)

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

م چیز دیگری برخورد نکردم (غیر از شدت این سرمای کشور که طوری عنوان شده که بهر طریقی می توان از آن

برداشت کرد) و فرصت مطالعه عمیق آنرا هم نداشتم لذا یک نسخه از یکی از زبور را جهت

اطلاع و بررسی تقدیم میدارم و نوار این سخنرانی را هم پس از تهیه بلافاصله می فرستم

با تقدیم احترام

محمد خاتمی

ضمنا از مجموع نامه جمعی که آقای نیری انتخاب شده

مسلم است اشان روشن است نامبرده قبل از

آن با مقامات دولتی (شهربانی - فرمانداری) روابط

کاملا دوستانه داشته و برای جریان او دولت غاصب

را مقصر و مشروع جلوه داده است

در دوران انقلاب در مجلس ختم پدر عطاپور

شلوغ کرد و ایشان معروف شرکت می نماید

و خون به او ایراد می گیرند می گوید من

می خواهم زمینی را در مصرحوت حوزه علمیه

اختصاص بدهم و در این مورد آقای عطاپور

اجازه می دادند بدین وسیله نظر ایشان

را جلب کردم و نتیجه هم این شد که در

کاشان حیاق بدست بیاورند !!!

پس از انقلاب (یک موقعیتی از طرف

جامعه روحانیت پیام تبریکی برای امام خمینی

می فرستد و تاریخ آنرا که در روزنامه درج شده

بود انطور که می گویند به صورت اعلامیه

منتشر کرده (من آنرا ندیدم)

ظاهرا نظری به زندگی نامبرده کاملا اشرافی

نباشد و خود او مردم را اینطور می دانست که

مهریه باید کم باشد ولی برای احترام خودش

حدود یکصد هزار تومان یا بیشتر مهریه می گیرد

در مورد ازدواج پسرش هم شنیدم می گویند

که برای ازدواج یک دختر لیر ۸ هزار تومان و برای

یک لیر و دختر دیگر مبلغ هنگفتی (شاید ۵۰ هزار تومان یا

بیشتر) تقاضا می کرد و چون بعلت این مبلغ

می ترسند به خواستگاری بروند می گویند دختر ترشیده بوده!

و ـــــ توجه و حدیث مفصل بخوان از این مجمل

عده از روحانی ها و دبیران حوزه علمیه کاشان هستند

علاوه بر اینها آقای نیری صاحب حوزه

محترم علمیه است که بررسی ماهیتان

مکتبش جز توطئه کاری نمی تواند انجام دهند

(در مورد کسانیکه از طلاب ایشان داشتم

اگر شریعتی را نه تائید نمی بلکه کافر معرفی می کردند و

باعث بروز اختلاف می شدند.

یکی دیگر از طلاب روحانی آقای شبستری می باشد که پیش نماز مسجد

انبار عطاری است - در دوران انقلاب جوانان مؤمن و متعهدی

تصمیم داشتند کتابخانه ای را که در جوار مسجدی باشد تحویل گرفته و

دائر نمایند و برای این کار تعدادی از جوانان محل حاضر شدند ماهانه

۱۰ تومان وکتاب بپردازند پس از صحبت طولانی و ترک نماز جماعت

برای چند روز و بازدن تک کشیده به صورت یکی از این جوانان که با فشار

می خواست حمایت اهل محل از آقای شبستری پیش نماز موفق شود کتابها

را در دست خود نگهدارد که هم اکنون تعطیل است - در زمان نهضت

اگر سخنی از مبارزه به میان می آمد می گفت ما که نخست وزیر نخواهیم

شد و غیره

با تقدیم احترام

محمد خاتمی

از آنجا که حضرت استدعا دارد این مسئله

را که حیاتی می باشد حل نمایند تا

مردم کاشان که در دوران طاغوت

دچار محرومیت شده بودند! در زمان

حکومت عدل اسلامی خیلی خوشحال

و امیدوار گردند و مردم از سرگردانی نجات پیدا کنند

من این نامه همراه با پاکتی به آقای

فرستاده شد.

ضمنا حاج آقای کاشانی واعظ چند سال پیش در شمال عم

دیگ سخنرانی ضمن حرکات زشت (خدا بخشد ما را از خودبالایی منبر

وغیره اقتضاحی عجیب به بار می آورد می گویند ناسزا در

شهرهای دیگر رجال حاضر به منبر می روند

و صدتا تلگراف لعن آنرا برایشان می فرستند